



### درس تفسیر سوره مبارکه مرسلات - جلسه ۳

حضرت آیت الله العظمی جوادى آملی دامت برکاته

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا (۱) فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا (۲) وَالتَّائِشَاتِ نَشْرًا (۳) فَالْفَارِقَاتِ فَرَقًا (۴) فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا (۵) عُذْرًا أَوْ نُذْرًا (۶) إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٍ (۷) فَإِذَا التَّجُومُ طُمِسَتْ (۸) وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ (۹) وَإِذَا الْجِبَالُ سُفِفَتْ (۱۰) وَإِذَا الرَّسُلُ أَقْنَتْ (۱۱) لَأَيُّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ (۱۲) لِيَوْمِ الْفَصْلِ (۱۳) وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ (۱۴) وَيَلُوكُ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۱۵)﴾

سوره مبارکه «مرسلات» که در مکه نازل شد با سوگند یاد شده است. این سوگندهای چندگانه گرچه به حسب ظاهر به بادهای گوناگون است؛ اما تک تک این بادهای هدایت شده‌اند و برای تأمین زندگی مردم ضروری‌اند و تحت رهبری فرشتگان مخصوص‌اند. همان طوری که انسان یک بدنی دارد و یک روحی، آن روح مدبر این بدن است، برای بسیاری از موجودات عالم هم یک ارواحی است که مدبرات اینها هستند، گرچه آنها تعلق تدبیری دارند نه تعلق‌های طبیعی و مانند آن، ولی ذات اقدس الهی که از فرشته‌ها به مدبرات امر یاد می‌کند، معلوم می‌شود تمام اینها نظم خاص علمی دارند که فرشتگان الهی راهنمایی می‌کنند. آن قدر این بادهای یاد شده در قرآن تحت رهبری فرشته‌ها منظم کار می‌کنند که در عذاب‌هایی که نظیر ﴿سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ﴾<sup>۱</sup> و مانند آن ذکر شد آنجا در همان

۱. سوره الحاقة، آیه ۷.

شهر، در همان منطقه آن که مؤمن بود از عذاب نجات پیدا می‌کرد، آن که کافر بود گرفتار عذاب می‌شد، معلوم می‌شد بادی که به عنوان «سَحَرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ» معصومانه تحت رهبری فرشتگان الهی کار می‌کند.

در این بخش که آیا منظور از این مرسلات فرشته‌ها و اینها هستند یا بادهایی هستند که تحت حمایت و هدایت فرشته‌ها هستند؟ یک بیان نورانی از امام سجاد (سلام الله علیه) است در «صحیفه سجادیه» که روی این فرشته‌ها نام‌گذاری شده و به تک‌تک اینها سلام می‌فرستد و سَمَت و رسالت و مأموریت این فرشته‌ها را مشخص می‌کند. این دعای اول «صحیفه سجادیه»، حدّ انسانیت را مشخص می‌کند که «الانسان ما هو»؟ در عرف ما می‌گوییم انسان حیوان ناطق است؛ ولی از دعای اول «صحیفه سجادیه» معلوم می‌شود که حدّ انسان این است که «الانسان حیوان ناطق حامد»؛ یعنی یک موجود زنده‌ای است که سخن می‌گوید و درک دارد و حامد و شاکر الهی است. در دعای اول «صحیفه سجادیه» آمده است اگر چنانچه ذات اقدس الهی حمد را یاد انسان نمی‌داد و انسان از توفیق حمد محروم بود، «لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ» انسان یک حیوان بود و به این صورت در نمی‌آمد. یک دعای خاصی هم دارد که خدایا حمد بکنیم طوری که توفیقی اعطا بکنی که ما در نظم شهدا قرار بگیریم! شهادتی هم که گاهی گفته می‌شود «مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيداً»<sup>۱</sup> حضرت آن را نمی‌خواهد، می‌گوید: «حَمْدًا تُسَعِّدُ بِهِ فِي السُّعْدَاءِ مِنْ أَوْلِيَائِهِ وَنَصِيرُهُ فِي نَظْمِ الشُّهَدَاءِ بِسُيُوفِ أَعْدَائِهِ»<sup>۲</sup> درست است که خیلی‌ها ثواب شهید را می‌برند «مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيداً»؛ ولی منظور حضرت در این دعا، آن کسی که در صحنه جهاد و با شمشیر دشمن شهید می‌شود من آن حمد را می‌خواهم.

۱. جامع الأخبار (للشعیری)، ص ۱۶۶.

۲. الصحیفه السجادیة، دعای اول، ص ۳۲.

اما در این دعای سوم فرشتگانی که مسئولیت خاصی دارند در تنظیم بادهای مخصوصاً بادهایی که برای عذاب می آید، آنجا ذکر می کند. دعای سوم این است که «اللَّهُمَّ وَحَمَلَةُ عَرْشِكَ الَّذِينَ لَا يَفْتُرُونَ مِنْ تَسْبِيحِكَ وَلَا يَسْأَمُونَ مِنْ تَقْدِيرِكَ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ مِنْ عِبَادَتِكَ وَلَا يُؤْثِرُونَ التَّقْصِيرَ عَلَى الْجِدِّ فِي أَمْرِكَ وَلَا يَغْفُلُونَ عَنِ أَوْلَهِ إِلَيْكَ» خدايا فرشتگانی که هيچ قصدي ندارند، اهل سهو نيستند، اهل نسيان نيستند، اهل غفلت نيستند، اهل اعراض نيستند، راحتي خود را بر عبادت در پيشگاه تو ترجيح نمي دهد، هيچ قصوري ندارند، هيچ تقصيري ندارند، من نسبت به اينها عرض ادب مي كنم؛ اين به صورت اصل جامع.

بعد نام فرشتگان مخصوص را مي برد، مي گويد: «وَإِسْرَافِيلُ صَاحِبُ الصُّورِ الشَّاهِدُ الَّذِي يَنْتَظِرُ مِنْكَ الْإِذْنَ» اسرافيل (سلام الله عليه) که مظهر احیای توست و حیات بخش است و منتظر دستور توست که چه وقت در صور بدمد و تمام مرده ها زنده بشوند «وَحُلُولَ الْأَمْرِ، فَيُنَبِّئُهُ» با نفخه و با آن دمیدن «صَرَغَى رَهَائِنِ الْقُبُورِ» مستحضربد که مرده ها را می گویند «رَهَائِنِ الْقُبُورِ». این بیان نورانی حضرت امیر که در دفن فاطمه (سلام الله علیهما) گفت به اینکه این ودیعه شماست «فَلَقَدْ اسْتَرْجَعَتِ الْوَدِيعَةَ وَأُخِذَتِ الرَّهْنَةُ»<sup>۱</sup> این مرده را می گویند «رَهْنِ الْقُبُورِ». در این تعبیرات نورانی امام سجاد دارد که «رَهَائِنِ الْقُبُورِ» مرده ها رهن قبر هستند، این اختصاصی به حضرت صدیقه کبری<sup>۱</sup> ندارد؛ منتها آن جمله اولش است «فَلَقَدْ اسْتَرْجَعَتِ الْوَدِيعَةَ» بله، مخصوص است؛ اما «أُخِذَتِ الرَّهْنَةُ» یعنی هر کسی در رهن قبر خودش است. مرده ها «رَهَائِنِ الْقُبُورِ» اند یعنی در گرو قبر هستند قبر این گرو را دارد. ما در رهن قبر هستیم قبر ما را طلب می کند به عنوان مرتهن. «صَرَغَى رَهَائِنِ الْقُبُورِ» این درباره اسرافیل (سلام الله علیه).

۱. نهج البلاغة (للصبحي صالح)، خطبه ۲۰۲.

«وَمِيكَائِيلُ ذُو الْجَاهِ عِنْدَكَ وَالْمَكَانَ الرَّفِيعِ مِنْ طَاعَتِكَ» این است. سوم: «وَجِبْرِيلُ الْأَمِينُ عَلَى وَحْيِكَ الْمُطَاعُ فِي أَهْلِ سَمَاوَاتِكَ» جبرئیل (سلام الله علیه) که مورد اطاعت بسیاری از فرشتگان آسمان است که آنها تحت تدبیر جبرئیل (سلام الله علیه) هستند. «الْمَكِينُ لَدَيْكَ، الْمُقَرَّبُ عِنْدَكَ»؛ بعد از اسرافیل و بعد از میکائیل و بعد از جبرئیل نام مبارک روح را می‌برد که ﴿تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ﴾<sup>۱</sup>؛ معلوم می‌شود روح یک فرشته‌ای است غیر از اینها. می‌فرماید: «وَالرُّوحُ الَّذِي هُوَ عَلَى مَلَائِكَةِ الْحُجُبِ وَالرُّوحُ الَّذِي هُوَ مِنْ أَمْرِكَ»؛ چند تا فرشته به نام روح‌اند که آنها به عنوان روح یاد می‌کنند، عرض می‌کند که خدایا بر همه اینها درود بفرست. «وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِمْ» فرشته‌هایی که زیر مجموعه این چهار، پنج فرشته معروف‌اند. «مِنْ سُكَّانِ سَمَاوَاتِكَ وَأَهْلِ الْأَمَانَةِ عَلَى رِسَالَتِكَ وَالَّذِينَ لَا تَدْخُلُهُمْ سَامَةٌ مِنْ دُؤُوبٍ وَلَا إِعْيَاءٌ مِنْ لُغُوبٍ وَلَا فُتُورٌ» هیچ خسته نمی‌شوند نه در آمد و رفت رسالت‌های شما خستگی دارند، نه در عبادت خستگی دارند، نه احتیاج به خواب دارند؛ این در خطبه نورانی حضرت امیر خطبه اول همین است که اینها که اهل خواب نیستند، اینها که اهل خوراک نیستند، اهل سهو و غفلت نیستند این در خطبه اول نهج البلاغه است.<sup>۲</sup> «وَلَا تَشْغَلُهُمْ عَنْ تَسْبِيحِكَ الشَّهَوَاتُ وَلَا يَقْطَعُهُمْ عَنْ تَعْظِيمِكَ سَهْوُ الْعَفَلَاتِ»؛ یک وقت مثلاً اشتها داشته باشند به خواب، به غذا، از این راه اشتها مثلاً از یاد و نام و عبادت تو غفلت کنند که از این قبیل نیست. «الْحُشْعُ الْأَبْصَارِ فَلَا يَرُومُونَ النَّظَرَ إِلَيْكَ التَّوَكُّسُ الْأَذْقَانِ الَّذِينَ قَدْ طَالَتْ رَغْبَتُهُمْ فِيمَا لَدَيْكَ»؛ اینها چشم دارند، بصیرند؛ اما روی ادب و احترامی که دارند به سمت تو نگاه نمی‌کنند از بس شرمنده‌اند؛ آن نگاه معلوم می‌شود نگاه مادی نیست. فرمود اینها سر بلند نمی‌کنند که تو را ببینند با اینکه سمیع‌اند، بصیرند بر اساس ادب و احترامی که دارند،

۱. سوره قدر، آیه ۴.

۲. نهج البلاغه (للصّحی صالّح)، خطبه اول، ص ۴۱؛ «ثُمَّ فَتَقَّ مَا بَيْنَ السَّمَوَاتِ الْعُلَا فَمَلَأْنَهُنَّ أَطْوَاراً مِنْ مَلَائِكَةٍ مِنْهُمْ سُجُودٌ لَا يَرْكَعُونَ وَرُكُوعٌ لَا يَنْتَضِبُونَ وَصَافُونَ لَا يَتَرَايُونَ وَ مُسَبِّحُونَ لَا يَسْنَأُونَ، لَا يَعْشَاهُمْ نَوْمُ الْعَيُونِ وَلَا سَهْوُ الْعُقُولِ وَلَا فَرَقَةُ الْأَبْدَانِ وَلَا غَفْلَةُ النَّسِيَانِ».

در پیشگاه تو خاضع‌اند. تعبیر این است که «الْحُشْعُ الْأَبْصَارِ فَلَا يَرُومُونَ النَّظَرَ إِلَيْكَ» به طرف تو نمی‌توانند نظر بکنند نه اینکه هم ادب دارند که آن قسمت و نگاه تو مقدور آنها نیست و هم اینکه این کار را نمی‌کنند. «التَّوَكُّسُ الْأَذْقَانُ» در آیات قرآن هست که اینها هنگام تلاوت آیات به جای اینکه روی پیشانی به خاک بیفتند اذقانشان، ذقن و چانه‌شان به خاک می‌افتد؛ این معنای قرآنی را وجود مبارک امام سجاد درباره فرشته‌ها بکار می‌برد. «الَّذِينَ قَدْ طَالَتْ رَغْبَتُهُمْ فِيمَا لَدَيْكَ الْمُسْتَهْتَرُونَ بِذِكْرِ آلائِكَ وَ الْمُتَوَاضِعُونَ دُونَ عَظَمَتِكَ وَ جَلَالِ كِبَرِيَّاتِكَ وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ تَزْفِرُ عَلَى أَهْلِ مَعْصِيَتِكَ سُبْحَانَكَ مَا عَبْدُكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ» اینها کسانی هستند که گاهی بهشت را نگاه می‌کنند، گاهی جهنم را نگاه می‌کنند به دستور تو، وقتی جهنم را که نگاه کردند این حرف را عرض می‌کنند می‌گویند: «سُبْحَانَكَ مَا عَبْدُكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ»؛ خدایا آن حدی که شایسته بندگی تو بود ما انجام ندادیم. «وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ تَزْفِرُ عَلَى أَهْلِ مَعْصِيَتِكَ» چه می‌گویند؟ می‌گویند: «سُبْحَانَكَ مَا عَبْدُكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ» نام مبارک همه اینها را می‌برد، می‌فرماید: «فَصَلِّ عَلَيْهِمْ» بر اینها صلوات بفرست! «وَ عَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَ أَهْلِ الزُّلْفَةِ عِنْدَكَ وَ حُمَالِ الْعِيبِ إِلَى رَسُولِكَ وَ الْمُؤْتَمِنِينَ عَلَى وَحْيِكَ وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ» آنها که در گرفتن وحی، رساندن وحی، ابلاغ وحی امین محض‌اند از طرف تو، وحی را به انبیا می‌رسانند بر تک تک اینها صلوات و سلام بفرست. «وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ اخْتَصَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَ أَعْنَيْتَهُمْ عَنِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ بِتَقْدِيرِكَ وَ أَسْكَنْتَهُمْ بُطُونِ أَطْبَاقِ سَمَاوَاتِكَ وَ الَّذِينَ عَلَى أَرْجَائِهَا إِذَا نَزَلَ الْأَمْرُ بِتَمَامٍ» خدایا اینها هیچ اهل غذا نیستند، هیچ اهل طعام نیستند، هیچ اهل آب نیستند، هیچ اهل خواب نیستند، هیچ اهل سهو نیستند، دائماً سرگرم عبادت‌اند و از این کار دارند لذت می‌برند، تو اینها را از هر کاری از این قبیل منزّه کردی، بر تک تک اینها صلوات بفرست. این تمام شد.

اما آنچه که محل بحث ما مربوط به اوایل سوره مبارکه «مرسلات» است. «وَحُزَانِ الْمَطَرِ»؛ تمام قطرات باران حساب شده است چند قطره باران است؟ کجا باید ببارد؟ چه کسی مسئول است؟ کجا باید ببرند؟ این است. اینکه دعای استسقاء، نماز استسقاء اثر دارد این است. در بحث‌های سال‌های قبل هم داشتیم که مرحوم بوعلی می‌گوید آن کسی که مسئله نماز استسقاء برای او حل نشد، او شبیه فیلسوف است، او فیلسوف نیست «دع هؤلاء المتشبهة بالفلاسفة»؛<sup>۱</sup> این فرمایش ایشان در /لهیات شفاء است؛ کسانی که باور نکرده‌اند نماز استسقاء را و این جمله نورانی قرآن برای آنها حل نشد کسانی که ﴿وَأَلَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُم مَّاءً غَدَقًا﴾<sup>۲</sup> یعنی اگر اینها درست راه بروند نه راه کسی را ببندند نه بی‌راهه بروند ما مرتب باران مناسب می‌فرستیم دیگر از این صریح‌تر شما چه می‌خواهید؟ ﴿وَأَلَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُم مَّاءً غَدَقًا﴾. این بیان که خدایا تو چهار فصل خلق کردی زمستان ما را زمستان تابستان ما را تابستان پاییز ما را پاییز بهار ما را بهار قرار بده! «و اجعل شتائنا شتاء و ربيعنا ربيع»؛ اگر پاییز است باران بیاید، خدایا تو که این نظم را خلق کردی، ولی طوری باشد که به هر حال پاییز ما پاییز باشد، پاییز ما هم تابستان و امثال آن باشد، نباشد باران بیاید. در سوره مبارکه «مائده» است، در «اعراف» است که ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ﴾<sup>۳</sup> مردم اگر اهل احتکار و اختلاس و نجومی و مانند آن نباشند، ما مرتب باران به موقع می‌فرستیم؛ چه طور صریح بگوئید با دلالت مطابقی گفت، فرمود: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ﴾؛ ﴿لَاكُلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ﴾<sup>۴</sup> از بالا باران می‌آید، از پایین کشاورزی شما سامان می‌پذیرد؛ اما این به آن می‌چاپد آن این را می‌چاپد، دیگر این دلالت مطابقی چیست؟ صریح‌تر از این

۱. الشفاء - الإلهیات، ابن سینا، ج ۱، ص ۴۳۹.

۲. سوره جن، آیه ۱۶.

۳. سوره اعراف، آیه ۹۶.

۴. سوره مائده، آیه ۶۶.

چیست؟ اگر آن که فیلسوف است می‌گوید کسی که نماز استسقاء و دعای استسقاء و دعای باران و اینها را باور نکند، او که فیلسوف نیست، «دع هؤلاء المتشبهة بالفلاسفة» و رساله‌ای در این زمینه نوشته که نماز استسقاء اثر دارد، دعای استسقاء اثر دارد، چون صریح قرآن است فرمود اگر اینها به راه باشند، راه کسی را نبندند، ما یقیناً باران مناسب می‌فرستیم: ﴿وَأَلَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾؛ اینجا وجود مبارک حضرت سجاد دارد که تمام تک تک این قطرات حساب دارد، مسئولش هم معین است؛ خدایا صلوات ما را به اینها بفرست، این امام سجاد است! حضرت ادب می‌کند تشکر می‌کند، اگر کسی که نعمتی به ما داد ما نسبت به او قدردانی می‌کنیم؛ این قدردانی حضرت نسبت به ملائکه است. «وَحُزْنُ الْمَطَرِ وَ زَوَاجِرِ السَّحَابِ» ابرها را چه کسی رهبری می‌کند؟ چه کسی تلقیح می‌کند؟ چه کسی عقد نکاح اینها را می‌خواند؟ ﴿وَأَرْسَلْنَا الرِّيَّاحَ لَوَاقِحَ﴾<sup>۵</sup> یعنی تلقیح می‌کنند مگر هر ابری باران دارد؟ بچه دارد؟ مگر هر گیاهی فرزند دارد؟ تلقیح اینها به وسیله همین ابرها و بادهاست، «وَالَّذِي بِصَوْتِ زَجْرِهِ يُسْمَعُ زَجَلُ الرُّعُودِ» آن که فریاد بکشد رعد و برق تولید می‌کند، صاعقه تولید می‌کند، به تک تک اینها صلوات بفرست، چون اینها مأموران تو هستند بی‌جا که نمی‌آیند، بی‌جا که کسی را صاعقه نمی‌گیرد، اینها که فریاد می‌زنند صاعقه پدید می‌آید، اینها که فریاد می‌زنند رعد و برق پدید می‌آید، خدایا بر تک تک اینها صلوات بفرست، چون اینها تمام قطرات تو را حساب دارند. «وَحُزْنُ الْمَطَرِ وَ زَوَاجِرِ السَّحَابِ وَ الَّذِي بِصَوْتِ زَجْرِهِ يُسْمَعُ زَجَلُ الرُّعُودِ وَ إِذَا سَبَحَتْ بِهِ حَفِيفَةُ السَّحَابِ التَّمَعْتُ صَوَاعِقُ الْبُرُوقِ وَ مُشِيعِي الثَّلَاجِ وَ الْبَرَدِ» ما می‌بینیم یک تگرگی می‌آید، باران می‌آید، چه کسی آورده اینها را؟ چه کسی آورده اینجا گذاشته؟ فرمود یک عده‌ای فرشته‌ها هستند، تک تک این باران تک تک این قطرات تگرگ و برف را می‌آورند سرجایش می‌نشانند، تشییع می‌کنند، یعنی مشایعت می‌کنند؛

یعنی از پشت سر اینها را هدایت می کنند، راهنمایی می کنند. کسی موحدانه عالم را نگاه بکند، می شود حرف «صحیفه سجادیه». چرا قرآن می فرماید: ﴿إِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ \* وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ \* وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ﴾<sup>۶</sup> بعد فرمود: ﴿صُمُّ بَكْمٌ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ﴾<sup>۷</sup> این آسمان را که همه ما می بینیم، زمین را که همه ما می بینیم کوه را که می بینیم، شتر را هم که می بینیم؛ بعد فرمود اینها کورند؛ یعنی چه؟ یعنی خیال می کنند یک چیزی سر جایش خودش خلق شده به نام کوه و به نام آسمان و به نام زمین. بعد از اینکه اسم این چهار تا درباره همین اعراب جاهلی بُرد، در بخش های دیگر آیات دیگر فرمود ﴿صُمُّ بَكْمٌ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ﴾ اینها چرا کوه را نگاه نمی کنند؟ این نظم ناظم دارد. یک بیان نورانی دیگر حضرت امیر در نهج دارد که «أَلْهَمَ زَرْعَ» مثل علف خودرو هستند؟ این نظم دقیق علمی. این کشاورزی چندین قسم آسیب دارد، چندین قسم آفت دارد، برای آفت زدایی چندین قسم سم لازم است، چندین دانشکده لازم است تا آدم اینها را بفهمد، اینها خود بخود خلق شده؟ فرمود: «أَلْهَمَ زَرْعَ بَغِيرَ زَارِعٍ» این علف خودرو هستند اینها؟<sup>۸</sup> فرمود تک تک اینها حساب دارد «وَأَمْشِيعِي الثَّلْجِ وَالْبَرَدِ»، بَرَد یعنی تگرگ نه بَرَد. «وَالْهَابِطِينَ مَعَ قَطْرِ الْمَطَرِ» آنها که تا نازل نکنند تا این قطرات باران را بجا نشانند، مطمئن نیستند که به دستور شما عمل کردند، اینها می رسانند بعد برمی گردند، ما نه آن چشم را داریم نه آن گوش را داریم. «وَالْقَوَّامِ عَلَى خَزَائِنِ الرِّيحِ وَالْمُوكِّلِينَ بِالْجِبَالِ فَلَا تَزُولُ»؛ این زلزله هایی که می آید به موقع می آید، این گسل ها می آید، فعلاً باید سر جای شان باشند به موقع هم که شد این گسل ها فعال می شوند، این کوه ها «وَإِذَا الْجِبَالُ سُفَّتْ» می شود، «كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ»<sup>۹</sup> می شود؛ بله آن وقت که بخواد بساطش جمع بشود این طور می شود. «وَالَّذِينَ عَرَفْتَهُمْ مِّنَّا قِلَ الْمِيَاهِ» خدایا نه تنها

۶. سوره غاشیة، آیات ۱۸ - ۲۰.

۷. سوره بقره، آیه ۱۷۱.

۸. نهج البلاغة (للصالحی صالح)، خطبه پنجم؛ «كَالزَّارِعِ بَغِيرِ أَرْضِهِ».

۹. سوره قارعه، آیه ۵.



عدد اینها را عدد این قطرات را به اینها یاد دادی وزن تک تک اینها را هم به اینها گفتی که فلان قطره وزنش چقدر است، مثقال یعنی وسیله ثقل، تو یادشان دادی. «وَالَّذِينَ عَرَفْتَهُمْ مَثَاقِيلَ الْمِيَاهِ وَكَيْلَ مَا تَحْوِيهِ لَوَاعِجُ الْأَمْطَارِ وَ عَوَالِجُهَا» وزنشان، کیلشان، اندازه‌شان، مقدارشان را تو به اینها یاد دادی؛ صلوات ما را بر تک تک این ملائکه بفرست، این است! پس اگر مرسلات هست، عاصفات هست، ناشرات هست اینها هستند رهبری دارند، هدایت دارند، امام دارند، مسئول دارند، این طور نیست که ذات اقدس الهی به صرف باد قسم بخورد؟ این درباره نظام طبیعی.

در همین سوره مبارکه «مرسلات» که محل بحث است، دارد که چه وقت قیامت قیام می‌کند؟ ﴿فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ﴾ ﴿وَإِذَا الْجِبَالُ﴾ و کذا و کذا ﴿وَإِذَا الرُّسُلُ أُقِتَتْ﴾ \* لَأَيُّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ﴾ یکی از آیات اول همین سوره مبارکه «مرسلات» است که قیامت چه وقت قیام می‌کند؟ آن وقتی که انبیا حاضر می‌شوند، برای چه حاضر می‌شوند؟ چون شما در قرآن کریم فرمودید: ﴿إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾<sup>۱۰</sup> به هر حال محکمه شاهد می‌خواهد یا نمی‌خواهد، انبیا شاهد اعمال‌اند، فرمود انبیا آماده می‌شوند چه وقت؟ ﴿لَيَوْمٍ الْفَصْلِ﴾ چون ما می‌خواهیم محکمه فصل خصومت بشود، تو شاهدهی؛ تو شاهدهی یعنی چه؟ تو شهادت می‌دهی. مستحضری که شهادت در محکمه مسبوق به تحمل حادثه در ظرف حادثه است. حرف کدام شاهد مسموع است در محکمه؟ حرف کسی در محکمه مسموع است که در متن حادثه حضور داشته باشد و ببیند، «عَلَى مِثْلِهَا فَاشْهَدْ أَوْ دَع»<sup>۱۱</sup> در متن شرایع<sup>۱۲</sup> محقق هم آمده که وجود مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید که اگر چیزی را می‌خواهید شهادت بدهی؛ مثل این آفتاب باید برایت روشن باشد.

۱۰. سوره نساء، آیه ۴۱.

۱۱. وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۳۴۲.

۱۲. شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۴، ص ۱۲۱.

«فَتَحْصِلْ أَنْ هَاهُنَا أَمْرَيْنِ»: یکی در محکمه شهادت می‌دهند تا خدا برابر آن شهادت عمل بکند، یکی اینکه هر ادایی مسبوق به تحمل است. اگر شاهد در متن حادثه حضور نداشته باشد و صحنه را تحمل نکند، چگونه در محکمه شهادت می‌دهد؟ لذا این آیه سوره مبارکه «توبه» آن سند تحمل است، می‌فرماید: ﴿قُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾<sup>۱۳</sup> هر کاری می‌خواهید و خدا پیغمبر می‌بیند، اگر امروز نبیند، فردا چه چیزی را شهادت می‌دهند؟ ﴿وَإِذَا الرُّسُلُ أَقْبَتْ \* لَا يَأْتِي يَوْمَ أَجَلْتُمْ﴾ ما توقیت و وقت مشخص می‌کنیم که اینها بیایند، برای چه بیایند؟ برای اینکه شهادت بدهند، برای اینکه ﴿لِيَوْمِ الْفَصْلِ﴾ است. ﴿لِيَوْمِ الْفَصْلِ﴾ یوم ادای شهادت است نه یوم تحمل، پس در دنیا می‌بینند. اگر شاهد در دنیا در متن حادثه حضور نداشته باشد و عالم نباشد که شهادتش در محکمه مسموع نیست، این است.

پرسش: ...

پاسخ: دعوت به احترام اینهاست، یک؛ معرفت اینهاست، دو؛ دوختن و هم‌آوایی و هماهنگی نظام تشریع با تکوین است، سه، و مانند آن؛ وگرنه می‌دانید در مسایل علمی قسم چه اثری دارد؟ در مسایل علمی محبت و اینها چه اثری دارد؟ برهانی که وجود مبارک ابراهیم خلیل دارد اقامه می‌کند بر توحید، می‌گوید من او را دوست ندارم شما در مسایل فلسفی و کلامی هیچ شنیدید که کسی برای توحید قسم یاد بکند یا بگوید من این را دوست ندارم؟

پرسش: ...

پاسخ: نه، منظور آن است که خود اینها در تحت تدبیر فرشته‌ها هستند، یک؛ فرشته‌ها هم در تحت تدبیر ذات اقدس الهی هستند که مدبرات امر او هستند، دو؛ بنابراین برای ما هم محترم‌اند و هم حجت‌اند؛ لذا وجود مبارک امام سجاد

بر تک تک اینها صلوات می‌فرستد، (صلوات الله عليهم اجمعين). اگر اینها حرفشان معتبر نباشد و نظم دقیق علمی نداشته باشند که وجود مبارک حضرت این را تصریح نمی‌کند، تک تک اینها را نام ببرد، تک تک اینها را صلوات بفرستد. پس در این بخش از آیات فرمود: ﴿وَإِذَا الرُّسُلُ أَقْبَتْ \* لَا إِلَهَ إِلَّا يَوْمَ أُجِّلَتْ \* لِيَوْمِ الْفَصْلِ﴾ برای چه می‌آورند؟ همه انبیا را به عنوان شاهد اعمال امشان می‌آورند: ﴿إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ﴾، یک، ﴿وَ جِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾، دو. وجود مبارک پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هم شهید امت است و هم شهید امم قبلی است و هم شهید شهداست: ﴿إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَ جِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾، یعنی تو می‌شوی شهید شهدا، چون خاتمت معنایش همین است. تو نه تنها شاهد اعمال امت خودت هستی، نه تنها شاهد اعمال امم قبلی هستی، شاهد شهدا هم هستی، شاهد کارهای انبیای قبلای هم هستی، ﴿وَ جِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾ این معنای خاتمت است، مُهِمِن است؛ یعنی چه؟ چون فقط در قرآن شما یک جا می‌بینید آن هم مخصوص پیامبر است، انبیای دیگر «مصدقاً مصدقاً» است، ﴿مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ﴾<sup>۱۴</sup> اما تنها جایی که هیمنه و سیطره و سلطنت قائل است درباره وجود مبارک حضرت است، ﴿مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ﴾ بعد دارد که ﴿وَ مُهِمِّنًا عَلَيْهِ﴾ «هیمنه هیمنه» برای حضرت است؛ لذا خاتم است. این هیمنه داشتن بر همه انبیا علامت آن خاتمت و عظمت و پایان‌پذیری وحی و نبوت و وجود مبارک حضرت است.

پرسش: ...

پاسخ: اعمالشان را در دنیا می‌بیند اگر در دنیا نبیند در قیامت چگونه شهادت می‌دهد؟ الآن ما وقتی کنار حرم مطهر مشرف شدیم، همان آیه را می‌خوانیم که در زمان حیات می‌خواندیم، حالا می‌رویم کنار روضه منوره‌اش در

۱۴. سوره بقره، آیه ۹۷؛ سوره آل عمران، آیه ۳؛ سوره مائده، آیه ۴۸.

مدینه در غیر مدینه هم می شود خواند، در زیارت حضرت چه می گوئیم؟ همان آیه را در زیارت حضرت می خوانیم که در زمان حیات می گفتیم در زمان حیات چه می گفتیم؟ خدا در زمان حیات فرمود که ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾<sup>۱۵</sup> این را در زمان حیات می گفتند، الآن در کنار مزارش هم می گوئیم، چه چیز حضرت مُرد؟ بدن حضرت مُرد؛ اما روح حضرت که نمی میرد.

پرسش: ...

پاسخ: آن وجود مبارک حضرت که در خواب حضرت فرمود: «تَنَامُ عَيْنَايَ وَلَا يَنَامُ قَلْبِي»<sup>۱۶</sup> و بعضی از بزرگان هم گفتند که وجود مبارک حضرت در حال نماز وقتی که می گفت: «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» یک نورانیت دیگری هم پیدا می کرد که تمام چیزهای پشت سر را می دید؛ اما اینکه در دو جای سوره مبارکه «توبه» دارد که ﴿قُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ﴾ «الله» چه طور می بیند؟ - معاذالله - با چشم ظاهر که نیست، ﴿فَسَيَرَى﴾ این «سین» تحقیق است نه «سین» تسويف در برابر «سوف» نیست. ما یک «سین» داریم در برابر «سوف» که برای استقبال اند، یک «سین» تحقیق داریم که اینجا است ﴿قُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ﴾ «الله» چگونه می بیند؟ با همان دید ملکوتی انبیا می بینند، اولیا می بینند، اهل بیت می بینند: ﴿فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾.

بعد در بخش پایانی دارد «وَرُسُلِكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ بِمَكْرُوهٍ مَا يَنْزِلُ مِنَ الْبَلَاءِ وَمَحْبُوبِ الرَّحَاءِ وَالسَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ وَالْحَفَظَةِ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ»؛ خدایا به این ملائکه که بر ما فرستادی که اعمال ما را بنویسد بر تک تک اینها صلوات بفرست، حالا ما بد می کنیم اینها می نویسند، مطلبی دیگر است ﴿إِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ \* كِرَامًا﴾

۱۵. سوره نساء، آیه ۶۴.

۱۶. نهج الفصاحه، حدیث ۱۱۸۰؛ و مصباح الشریعه، ص ۴۴.

کاتبین<sup>۱</sup> حضرت دارد به این ملائکه ای که کرام کاتبین هستند، اعمال را می نویسند به تک تک اینها درود می فرستد،

«وَمَلِكِ الْمَوْتِ وَأَعْوَانِهِ وَمُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ وَرُومَانَ فَتَّانِ الْقُبُورِ وَالطَّائِفِينَ بِالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَمَالِكٍ وَالْخَزَنَةِ وَرِضْوَانَ وَ

سَدَّةَ الْجَنَانِ» «سدنه»؛ یعنی خدمه «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ وَالزَّبَانِيَةَ الَّذِينَ إِذَا قِيلَ

لَهُمْ: خُذُوهُ فَعَلُّوهُ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلَّوهُ ابْتَدَرُوهُ سِرَاعاً وَلَمْ يُنْظَرُوهُ وَمَنْ أَوْهَمَتَا ذِكْرَهُ وَلَمْ تَعْلَمْ مَكَانَهُ مِنْكَ وَبِأَيِّ أَمْرِ

وَكَلَّتُهُ وَسُكَّانَ الْهَوَاءِ وَالْأَرْضِ وَالْمَاءِ وَمَنْ مِنْهُمْ عَلَى الْخَلْقِ» خدایا چه آنهایی که می دانیم، چه آنهایی که نمی دانیم،

چه آنهایی که اسمش را شنیدیم؛ ولی خصوصیتشان را نمی دانیم، بر تک تک آنها درود بفرست!

بنابراین اگر یک وقت مرسلات و مانند آن را بر باد حمل کردند زیر مجموعه اینهاست، حالا امیدواریم ذات اقدس

الهی توفیقی عطا کند که این نظام و رهبر و مراجع و شما علما و فضلا و مؤمنین به برکت اربعین حسینی - إن شاء الله

- مشمول دعای خیر ولی عصر باشید!

«و الحمد لله رب العالمین»